

Tahmasb

190146

D2522



MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

01 Aralık 2019

In Search of Allegiance: Shah Tahmāsp's Communication with Zaynal Bayg of Hakkārī*

Mustafa Dehqan and Vural Genç

Abstract

The Kurdish emirate of Hakkārī played a very important role in the interaction between the Ottoman and Safavid empires. Brought under Ottoman control, in the course of the sixteenth century Hakkārī turned into one of the principal frontier emirates, connected through frontier regions with the main centers of the Safavid state via Ādharbāyjān. Despite its Ottoman position in the sixteenth century, we know precious little about Safavid efforts to gain the allegiance of Hakkārī. One of Shah Tahmāsp's existing letters, published here for the first time, illustrates his side of the correspondence with the Hakkārī emir Zaynal Bayg, and helps to explain a few obscure points in the Safavid-Kurdish relationship.

Keywords

Hakkārī | Kurdish | Safavid | Shah Tahmāsp | Zaynal Bayg | Ottoman

INTRODUCTION

Throughout his reign Shah Tahmāsp's main frontier preoccupation was the Kurdish emirates. After a three-year campaign, during which Shah Tahmāsp avoided direct confrontation with the Ottoman sultan and used scorched-earth tactics, most of the Kurdish areas in both eastern Anatolia and Iraq were annexed to the Ottoman Empire. In the second campaign of Süleyman I (1548–1549) the shah once again avoided a pitched battle. This expedition brought many of the Kurdish region around Lake Vān under Ottoman rule. The first treaty between the Ottomans and the Safavids, agreed in Amāsyā (1555), led to Shah Tahmāsp's formal access to some Kurdish areas, especially in Ādharbāyjān. In the following years the Ottoman-Safavid struggle in Kurdistan continued intermittently, interrupted by notable changes of allegiance of frontier Kurdish emirs on both sides. The most important result in the situation, however, was the secondary role played by Shah Tahmāsp in Kurdish areas.

* We are grateful to Kioumars Ghereghlou for improving our reading with his expertise, care, and attention.

0415-420

Theodor Nöldeke, *The Iranian national epic, or, the Shahnamah*, translated from the German by Leonid Th. Bogdanov, Philadelphia 1979.

/ شهر روز خنجری /

شاهنامه بایسنغری ← بایسنغری، شاهنامه

شاهنامه خوانی ← نقالی



دکته شدن کلباد به دست فریروز، منسوب به شیخ محمد، شاهنامه
شاه طهماسبی، دوره صفوی

کتابخانه سلطنتی بود و کار زیر نظر او انجام می‌گرفت. با اینکه هیچ نگاره‌ای کار او نیست، تأثیر او در تصویرگری آشکار است. حضور بهزاد سبب شد این اثر تلفیقی از دو مکتب نگارگری تبریز در دوره ترکمانان و مکتب هرات در دوره تیموری از کار درآید. در نگاره‌های این نسخه، رنگهای شاد، تند، و پرمایه، ترکیب‌بندی پویا و طبیعت‌پردازی، که از ویژگیهای مکتب ترکمانان تبریز بود، با رنگ‌بندی پخته، ترکیب‌بندی ایستا و توجه به عناصر معماری در مکتب هرات درهم آمیخت (← دیکسون^۳ و ولش، ج ۱، ص ۴-۵، ۱۰).

در این نسخه، ترنجی اختصاصی به نام شاه طهماسب با عبارت «برسم کتابخانه سلطان الاعظم... شاه طهماسب الحسینی الصفوی بهادرخان خلدالله تعالی ملکه و سلطانه» آمده است. تاریخ آغاز و انجام نسخه دقیقاً مشخص نیست. تاریخ شروع نسخه را ۹۲۸ و تاریخ اتمام آن را حدود بیست سال بعد تخمین زده‌اند (← امامی، ۱۳۷۳ ش الف، ص ۱۳، ۱۶؛ غروی، ص ۸-۹؛ حبیبی، ص ۴۰). تنها تاریخی که در نسخه وجود دارد، تاریخ ۹۳۴ در نگاره گلنار و اردشیر (گ ۵۱۶ پ) است (← ذکاء، ص ۱۳۴-۱۳۵؛ ولش، ص ۱۶؛ دیکسون و ولش، ج ۱، ص ۳-۴).

شاهنامه شاه طهماسبی، نفیس‌ترین نسخه خطی مصور از دوره صفوی، که با نامهای شاهنامه شاهی و شاهنامه هوتن^۱ نیز شناخته می‌شود. شاهنامه طهماسبی به قطع سلطانی بزرگ در ابعاد ۴۷×۳۲ سانتیمتر، دارای ۷۵۹ برگ زرافشان، ۲۵۸ نگاره، همراه با یک سرلوح مزدوج مرصع، یک نعل شمشه و صدها کتیبه و آرایه دیگر، در حدود سالهای ۹۲۸ تا ۹۴۳ در تبریز، به دست گروهی از هنرمندان زیر نظر کمال‌الدین بهزاد^۲ تدوین شد. در ابتدای این نسخه، مقدمه شاهنامه بایسنغری^۳ به قلم کاتبی ناشناس به خط نستعلیق خوش آمده است (ذکاء، ص ۱۳۵؛ فردوسی، مقدمه علیرضا اسماعیلی و احسان آقایی، ص ۱۰).

شاه اسماعیل اول صفوی (حک: ۹۰۷-۹۳۰) به منظور نمایش دادن قدرت حکومت تازه تأسیس خود، کانون هنری تبریز را شکل داد و دستور داد شاهنامه‌ای برای ولیعهدش، طهماسب خردسال، به تصویر درآید. در ۹۲۸، که طهماسب از هرات به تبریز رفت، کمال‌الدین بهزاد نیز به تبریز فراخوانده و به ریاست کتابخانه سلطنتی منصوب شد. اما تکمیل نسخه در زمان شاه اسماعیل به فرجام نرسید و ادامه کار به زمان شاه طهماسب (حک: ۹۳۰-۹۸۴) موکول شد. پانزده نقاش، دو خوشنویس، دو مذهب، یک جلدساز، و چندین افشانگر و جدول‌کش و کاغذساز طی بیست سال شاهنامه طهماسبی را به فرجام رساندند. نام نه تن از تصویرگران نسخه مشخص است: سلطان محمد^۴، میر مصور بدخشانی^۵، آقامیرک اصفهانی^۶، میر سید علی^۷، مظفر علی^۸، دوست محمد^۹، عبدالعزیز کاشانی^{۱۰}، میرزاعلی^{۱۱} (پسر سلطان محمد)، عبدالصمد شیرازی^{۱۲} (← ولش^۲، ص ۲۱-۲۲).

سرپرستی تصویرسازی حدود صد صفحه نخست شاهنامه با سلطان محمد نقاش، پس از او، با میر مصور و سپس تا فرجام کار، با آقامیرک اصفهانی بود. در این مدت، بهزاد سرپرست

1. Houghton

2. Welch

3. Dickson